

« نامه ماهانه ادبی ، تاریخی ، علمی ، اجتماعی »

آرمان

سال پنجاه و یکم
دوره - سی و هشتم
شماره - ۹

شماره - نهم
آذرماه ۱۳۴۸

تأسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحید زاده دستگردی - نسیم)

(سردبیر : محمد وحید دستگردی)

سردبیرین زفر

ترجمه : محمد وحید دستگردی

نظری باربیات فارسی

سردبیرین رس مستشرق دانشمند و محقق نامدار انگلیسی است که در حدود بیست و پنج سال قبل در گذشته و دوستان نزدیک ادوارد برون ایران شناس معروف بوده است . وی کتابهای دی تألیف نموده که کتاب (ایرانیان) از آن جمله میباشد . مقاله محققانه ترجمه فصلی است که در معرض مطالعه خوانندگان قرار میگیرد .

ادبیات قبل از اسلام ایران را کتب مقدس زردشتی که بزبان اوستائی قدیم نوشته شده تشکیل میدهد . زبان اوستائی زبان سانسکریت بسیار نزدیک است . تفسیرهایی نیز بزبان پهلوی یا فارسی میانه راجع به کتب فوق نوشته شده است . صرف نظر

از ترجمه‌هایی که از زبان سانسکریت بزبان پهلوی شده بود و از آن جمله کتاب کلیده‌ودمنه است کتب بسیار دیگر اعم از کتب تاریخی و افسانه‌ای بزبان پهلوی نوشته شده که اکثر آنها از بین رفته‌اند لکن ترجمه‌های عربی بعضی از این کتب اکنون در دست است .

عبارت «اولین دوره ادبیات جدید فارسی» را شاید بتوان به آثار نظم و نثر عربی که توسط ایرانیان پرداخته آمده بود اطلاق کرد . این دوره اندکی پس از حمله اعراب آغاز گشت و تا زمان کنونی نیز همچنان ادامه پیدا کرده است . چون نه تنها اکثر نویسندگان من جمله غزالی فیلسوف مشهور و سعدی شاعر عالیقدر از هر دو زبان فارسی و عربی در آثار خود استفاده کرده‌اند بلکه در زمان کنونی نیز کتب دینی و الهی بزبان عربی نوشته می‌شوند . حکیم عمر خیام قسمت اعظم آثار علمی خود را بزبان عربی نوشته است .

متجاوز از دوست و پنجاه سال ایران کم و بیش در قلمرو امپراطوری وسیع عربی قرار گرفته بود و با آنکه ایرانیان در اداره امور مملکتی نقش مهمی داشتند ایران رو به مرفته تحت حکومت بیگانه بود . ایرانیان در حقیقت مختار بودند که در ازای پرداخت مالیات مذهب قدیم خود را حفظ کنند لکن آمال و امیدهای ملی و وطن خواهی مورد حمایت و تشویق قرار نمیگرفت . ایرانیان هوشمند از زبان عربی استقبال کردند و با استعانت از استعداد ذاتی و قوای فکری در فرا گرفتن دقایق این زبان فصیح و بلیغ و رفع مضایق آن پیشرفتهای شایان کردند . در دوره ساسانیان تا آنجا که اطلاع داریم فارسی به رسم الخط مشکل و پیچیده پهلوی نوشته می‌شد . اکنون میتوانیم تصور کنیم که اولین نسل ایرانیان که بمطالعه زبان عربی پرداختند تا چه حد از الفبای بسیار پیشرفته‌ای که اعراب با خود بارمغان آورده بودند استقبال کردند و طبیعتاً

خود را ناگزیر دیدند که بتحصیل این زبان پردازند و از رسم الخط عربی که از رسم الخط ایشان بسی برتر بود استفاده کنند. دولت نیز افرادی را بکار دعوت میکرد که بدین زبان تکلم میکردند و این موضوع نیز مشوق ایرانیان در آموختن زبان عربی گردید. همچنین این نکته مسلم است که مردم ایران در قلمرو سرزمین خود بزبان فارسی تکلم میکردند لکن در نگارش الفبای عربی را بکار میگرفتند. ایرانیان در ازای استفاده‌های زیادی که از زبان عربی بر گرفتند خدمات مهمی نیز بدین زبان کردند. بنابراین پرفسور براون حق داشت بگوید که اگر ادبیات عربی را از آثار نویسندگان ایرانی بیرون آوریم دیگر چیز مهمی بر جای نمیماند.

با توجه بآنچه در بالا مذکور افتاد اختلاف نتایج هجوم اعراب و سایر اقوام من جمله یونانیها به ایران کاملاً روشن و هویدا می‌گردد. چون باستانی اعراب دیگر اقوام، فرهنگی با خود بارمغان نیاوردند که نتیجه آن اکنون مشهود باشد و عملاً در مردم ایران نیز نفوذ توانستند کرد. سرانجام هنگامیکه شعرا و نویسندگان بزبان فارسی آغاز گفتن و نوشتن کردند این زبان مشحون به لغات و عبارات عربی گردیده بود. لکن ایرانیان برعکس فرانسویان که لغات انگلیسی را بعاریت گرفتند و آنها را تغییر شکل دادند در لغات عربی هیچگونه تغییری ندادند بلکه این لغات را بهمان شکل عربی و بدون هیچگونه تغییری در زبان فارسی وارد کردند.

میدانیم که شعر گفتن بزبان فارسی جدید از قرن نهم آغاز شد، و خوش نویسی و خطاطی در زمان حکومت هارون الرشید مورد تشویق و تحسین قرار گرفت. در سایر نقاط امپراطوری از جمله در سوریه، مصر و نواحی غربی زبان عربی جایگزین لهجه‌های محلی گردید لکن زبان فارسی بحیات خود ادامه داد. یکی از نویسندگان معاصر مینویسد که شرط لازم شحنه شدن دانستن زبان فارسی بود.

رودکی اولین شاعر بزرگی بود که فارسی را بعنوان زبان ادبی بکاربرد . قسمت اعظم اشعار وی و از جمله افسانه های کلیله و دمنه که بنظم آورده بود متأسفانه از بین رفته است . همین شاعر بزرگ بود که با منظوم ساختن شعری ترو دل انگیز که حکایت از بخارا و زبائیهای آن میکرد امیر نصر بن احمد سامانی را از ادامه اقامت در هرات منصرف کرد .

علت ساختن این شعر آن بود که امیر میخواست مدتی طولانی تر مقیم هرات باشد لکن لشکریانش این خطه را دوست نداشتندی و شوق دیدار زن و فرزند آنان را بقرار کرده بود . چون بهیچ طریق در امیر تأثیر نتوانستند کرد لاجرم به نزد رودکی آمدند . شعر رودکی چنان در امیر اثر کردی که چون آنرا شنیدی بی تأمل بر پشت اسب نشستی و بی آنکه کفش در پای کند روی بجانب بخارا نهاد و بفرمان وی لشکریانش نیز با نهایت شور و شغف بجانب موطن حرکت کردند .

شعرای عالیقدری که در بین قرون ده تا شانزدهم میزیستند بترتیب تاریخ و زمان عبارتند از: رودکی، فردوسی، انوری، قطران، عمر خیام، نظامی قمی گنجوی، خاقانی، سعدی شیرازی، جلال الدین محمد رومی، حافظ شیرازی و جامی .

انواع مهم شعر فارسی عبارتست از: رباعی، غزل، قصیده و مثنوی . مردم اروپا مفهوم رباعی را اعم از اینکه فلسفی، تعلیمی و یا عشقی باشد با سانی درک می کنند . چون رباعی شعری است در غایت اختصار و همچنین اختصاص به يك موضوع و یا عقیده خاص دارد .

از طرف دیگر غزل فارسی را نمیتوان با غزل هیچیک از زبانهای اروپائی مقایسه کرد . علت آن اینست که ایرانیان در هر يك از ابیات غزل مطلب کاملی را بیان می دارند و بنابراین هر بیت غزل معنی جداگانه و مستقلى دارد و با ابیات ماقبل و یا

مابعد ارتباط چندانی پیدا نمی‌کند. در معدودی از غزلها، مانند غزلی که حافظ در مرک فرزند دلبنده خود سروده با آنکه همه ابیات اختصاص به موضوع واحدی دارد لکن معنی هر بیت آنچنان کامل است که ترتیب شعر از نقطه نظر تقدم و تأخر ابیات اهمیت چندانی ندارد با استثنای دو مصرع اول که باید هم قافیه و بیت آخر نیز تخلص شاعر را شامل باشد. نکته مهم دیگر آنکه غزل وزن مخصوصی دارد و قافیه آن در پایان همه ابیات یکسان است.

در ادبیات مغرب زمین قصیده بشکل قصائد فارسی وجود ندارد. قصیده از قصد مشتق است و در سرودن آن هدف خاصی مطمح نظر است و این هدف معمولاً ستایش حامی دانش پرور ثروتمندی است که قصیده پیرامون محامد وی سروده می‌شود. قصیده را میتوان در موارد دیگر از جمله توصیف مجلس جشن و شادمانی مانند عروسی و یا ذکر بعضی از مصائب مانند زلزله منظوم ساخت. ابیات قصیده هم قافیه است و برعکس غزل که بندرت تعداد ابیات آن از دوازده تجاوز می‌کند تعداد ابیات قصیده ممکن است بصد هم برسد. در غزل تخلص و یا نام شاعر در بیت آخر ذکر می‌شود لکن در قصیده شاعر نام خود را ذکر نمی‌کند ولی نام حامی و یا مشوقی که ممدوح شاعر است ذکر می‌گردد.

مثنوی نوع دیگر شعر است. منظومه های مختلفی در قالب مثنوی سروده شده اند. حماسی و رزمی مانند شاهنامه فردوسی، اشعار بزمی و عشقی مانند داستان لیلی و مجنون و یوسف و زلیخا، داستانهای عرفانی و آموزنده مانند مثنوی معنوی جلال الدین رومی و بوستان سعدی.

شعر فارسی انواع دیگری نیز دارد لکن چندان رایج نیستند، بنابراین چنین بنظر میرسد که تسلسل شعر فارسی به نقاشی این کشور شباهت دارد و نتیجه این دوهنر

نیزیکی بوده است. چون اگر مینیاتور ایران را با غزل فارسی مقایسه کنیم متوجه می شویم که محدودیتها و سنن و آداب اجتماعی در این آثار از نقطه نظر تکنیک و بداعت و زیبایی شکل بغایت کمال رسیده اند و از این بابت این آثار به جواهرهائی میمانند که در نهایت لطافت و ظرافت قلمزنی شده اند.

کسانیکه با زبان فارسی آشنائی ندارند نمیتوانند این نکته را بکمال دریابند که زبان و لفظ چه نقش مهمی در شعر فارسی بازی می کند. این نقش مهم علل مختلف دارد. فرهنگ لغت فارسی فسحت عظیم دارد و بدینجهت برای يك لفظ میتوان مترادفات بیشمار پیدا کرد. و نیز تسلسل کلمات مفهفی در این زبان آنچنانست که در هیچ زبان اروپائی تصور آنرا نتوان کرد، همچنین استدر اك احساسی که کلمات و عبارات منفرد به ایرانیان الهام می کنند کاری بس مشکل است. شاید بتوانیم برای عشق و علاقه بزبان و لغت نام «ادبیات نمایشی» بگذاریم. چون شیوه شاعر ایرانی در سرودن شعر آنستکه تسلط و تبحر خود را در زبان هویدا سازد. حتی آنچه که ما «جناس زائد» میخوانیم یکی از خصوصیات مهم اشعار عمیق فارسی است.

آنچه در بالا مذکور افتاد خلاصه و مجملی بود از شعر فارسی و حرفی بود از هزاران کاندرا عبارت آمد. اما نباید چنین تصور کرد که ایران آثار منشور ندارد، اما این نکته محقق است که نژاد بی در زبان فارسی کمتر متداول است ولی قسمت اعظم ادبیات اروپا را همین نوع نثر تشکیل میدهد. در زبان فارسی خطابه یا رساله وجود ندارد در صورتیکه صناعت انشاء پیشرفت زیاد داشته است. مشهورترین اثر منشور فارسی گلستان سعدی است که مرکب از نظم و نثر است و منظور شاعر از این کار آن بوده که داستانهای اخلاقی و تربیتی را دل انگیزتر ساخته تا بهتر در طبایع آدمیان تأثیر کند. بعضی از تاریخ نویسان موثق نیز متأسفانه این نثر آراسته را که بشعر هم

مزین است در آثار تحقیقی خود بکار برده و در نتیجه اهمیت آثار خود را تنزل داده‌اند. برای نمونه تاریخ مهم و صاف را میتوان نام برد که سبکی بسیار آراسته دارد و بدین جهت فروع بر اصول فزونی گرفته و اصل فدای فرع شده است. دو اثر منشور اکنون در دسترس ماست که وجه تمایز آنها انسجام عبارات و سادگی سبک میباشد. یکی چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی است که در سال ۵۵۰ هجری (۱۵۵ میلادی) نوشته آمده و مشتمل بر حکایاتی دربارهٔ دبیران، شاعران، منجمان و طبیبان میباشد و دیگر کتاب سیاست نامه است که توسط نظام‌الملک وزیر مشهور ملکشاه سلجوقی نوشته شده است. قسمتی از این کتاب بر تاریخ گذشته و قسمتی بر تجارب شخصی نویسنده مبتنی است و می‌توان آنرا کتاب مدیریت و ادارهٔ امور مملکت دانست.

هنگامیکه راجع به هنرهای زیبا بحث می‌کنیم میتوانیم خواننده را به مشاهده نمونه‌های اصلی این آثار درموزه‌ها حواله کنیم. اما در مورد شعر اینکار را نتوانیم کرد چون حتی دقیق‌ترین ترجمه که در آن وزن و قافیه در نهایت مهارت رعایت شده و جانب احساس را هم نگاهداشته باشد نمیتواند ترکیب موسیقی و زبان را که مهمترین و اساسی‌ترین کیفیت شعر اصلی است بخواننده منتقل کند. به عقیده من نزدیکترین ترجمه به متن اصلی ترجمه‌ایست که ادوارد فیتز جرالده از رباعیات خیام کرده است. اما این موضوع را باید بخاطر آورد که رباعی بجهت آنکه هم شعری کوتاه و هم راجع بیک مطلب کلی و جامع است میتواند به‌رزبان خارجی دیگر نیز ترجمه شود. ترجمه سایر انواع شعر فارسی عجیب و مصنوعی بنظر میرسد. منظور از این گفته آن نیست که ترجمه‌های انگلیسی اشعار فارسی که با مهارت فوق‌العاده انجام گرفته‌اند مطبوع طبع خوانندگان نیستند بلکه عکس این موضوع هم صادق است و شاهد این ادعا ترجمه‌های زیبا و دقیقی است که خانم گرترو دبل از اشعار حافظ کرده است و همین یک نمونه ما را از ذکر اسامی سایر مترجمان دانشمند اشعار حافظ بی‌نیاز می‌سازد.

در اینجا لزومی نمی بینم که ادبیات جدید فارسی را بتفصیل شرح دهم. بنابراین این گفتار خود را محدود به معرفی بعضی آثار می کنم که بهترین نسخ خطی و گران بهای آنها اکنون در دسترس ماست. اولین و مهمترین این آثار شاهنامه فردوسی است که نظم آن در قرن یازدهم پایان پذیرفته و داستانهای پر ماجرای عشقی و قهرمانی آن زمینه های مناسب و پایان ناپذیری برای هنر نمائی هنرمندان بوده است.

منظومه های بزمی نظامی قمی گنجوی که بنام خمسه شهرت دارد و عبارتند از (۱) خسرو شیرین: مشتمل بر داستان فرهاد کوهکن است که در دام عشق شیرین گرفتار آمد و سرانجامی غم انگیز داشت (۲) لیلی و مجنون: مشتمل بر داستان عاشق و معشوقی دلخسته و آواره است که خصومت خانوادگی میان آنان تفرقه انداخت و پس از مرگ به یکدیگر رسیدند.

(۳) هفت پیکر مشتمل بر داستانهای بهرام گور است و یکی از این داستانها راجع به دختری آزاده نام است که بهرام و پراهنگامیکه بشکار میرفت با خود میبرد و برای هنرمندان ایرانی حتی در زمان ساسانیان موضوعی جالب و دلچسب بوده است. (۴) اسکندرنامه: مشتمل بر داستانهای اسکندر کبیر است. منظومه دیگر اومخزن-الاسرار است که منظومه ای سراسر اخلاقی و تربیتی است. این سخن سالار بزرگ ایران که در آغاز قرن سیزدهم درگذشت بلا تأمل از بزرگترین شاعرانی است که مادر گیتی زاده است.

بعد از نظامی جامی است که طبع وی در قرن پانزدهم شکوفان شد و پرکارترین نویسنده دوره تیموریان بود، از این شاعر چندین مجموعه غزل و قصیده باقی است. همچنین هفت مثنوی بسبک نظامی دارد که مشتمل بر داستان یوسف و زلیخا است. این موضوع را فردوسی قبلا در مثنوی جداگانه ای بنظم آورده بود و تنها يك نسخه از آن

باقی مانده است. این حکایت در نزد مینیاتوریست‌ها مشهور بوده و در آثار خود از آن استفاده کرده‌اند. یکی از مشهورترین صحنه‌های مصور آن باریافتن یوسف بحضور زلیخا و ندیمه‌های اوست که آنچنان مسحور زیبایی خیره‌کننده وی شدند که بجای خوردن بر تمالهایی که در دست داشتند انگشتان خود را گاز میگرفتند.

هنرمندان در اوائل و مخصوصاً پس از هجوم مغولان شروع به مصور ساختن کتب تاریخی مشهور کردند. معروفترین این آثار عبارتند از تاریخ بسیار طولانی چنگیز خان و اخلاف او بنام جامع التواریخ که رشیدالدین طیب و مورخ و وزیر مشهور برشته تحریر کشیده و زمان اختتام آن سال ۱۳۰۵ میلادی بوده است و ظفرنامه که تاریخ تیمورلنک است

افسانه‌های بید پای (کلیدودمنه) که قهرمانان آن حیواناتی هستند که در نقش آدمیان بازی می‌کنند و این مفعع آنها را بعبری ترجمه کرده بود بارها بصورت نظم و نثر پرداخته آمدند و همچنین موضوع مناسب و دلخواهی برای مینیاتوریست‌ها بودند. قبل از آنکه به بحث پیرامون ادبیات جدید فارسی خاتمه دهم و خامه را بر زمین گذارم ناگزیرم در مورد مثنوی معنوی جلال‌الدین رومی (قرن سیزدهم) برسیل اختصار مطالبی بیان کنم. این منظومه طویل که به شش کتاب تقسیم شده یکی از عالیترین و جالب‌ترین آثار ادبیات جهان است. عرفای ایران کتاب مثنوی را در حکم قرآن میدانند.

مثنوی شامل مجموعه‌ی عظیمی از حکایات مختلف است. بعضی حکایات دقیق و پر معنی، بعضی طبیعت‌آمیز و بعضی شامل مطالبی هستند که بی پروا بیان شده‌اند و منظور جلال‌الدین از ذکر این حکایات تلقین حقایق عرفانی و اخلاقی به خوانندگان بوده است. تصوف یا عرفان ایران از بطن اسلام بیرون آمده است و در شعر جدید

فارسی سهم بسزائی دارد. صوفیان معتقدند که خدا و جهان یکی هستند و جهان تراوشی از آن مبدأ فیاض است. خارج از خدا چیزی وجود ندارد و روح آدمی نیز جزئی از روح خداست. در حیات دنیوی روح از مبدأ خود جدا شده و پس از مرگ بازبدان مبدأ می پیوندد. ماهمه قطرات اوقیانوس واحدی هستیم و مجدداً بدرون آن اوقیانوس فرو خواهیم رفت. صوفیان برای بیان عقاید خود استعارات عرفانی و عشقی بکار می بردند تا مقاصد آنان جز بر اهل طریقت و آموزندگان اسرار حق مکشوف نتواند بود. جدائی از خدا، آرزوی ایصال بدان مبدأ فیاض و سرانجام پیوستن و اتحاد با معشوق حاکی از روابط روح با خداست. عبارت زیر یکی از اصول مهمی است که تعلیمات تصوف مبتنی بر آنست:

«خدا گفت، من گنجی پنهان بودم و دوست داشتم تا مرا پیدا کنند. لاجرم انسان را آفریدم تا اینکه بتواند مرا پیدا کند»

در طول قرن نوزدهم سه شاعر عبقری در ایران پیدا شدند. قآنی شیرازی، یغمای خراسانی و میرزا سروش اصفهانی. اشعار این سه شاعر از نقطه نظر انسجام عبارات و رقت کلمات و زیبایی سبک اشعار حافظ و سعدی را بخاطر می آورند. قآنی در شعر استادی مسلم بود و تسلطی بی مانند بر زبان و لغت فارسی داشت. گوشش به نعمات موسیقی آنچنان آشنا بود که بعضی از اشعار او بعقیده من از نظر سحر و افسون در ادبیات فارسی نظیر و مانند ندارد. ایرانیان کم و بیش ذوق شاعری دارند و فطرتاً میتوانند کلمات را باهم قافیه کنند. شاید هیچ زبانی با اندازه زبان فارسی مناسب برای شعر ساختن نباشد.

پیرامون آمادگی و حضور ذهن ایرانیان در سرودن شعر فی البداهه داستانهای زیادی از مردان و زنانی نقل شده که اشعاری بصورت رباعی و حتی غزل و قصیده در

لحظه احتضار و دمی پیش از آنکه چشم از مشاهده زیبائیهای آفرینش فرو بندند سروده‌اند. اغلب پادشاهان ایران خود شاعر بودند. فتحعلیشاه در شاعری مقامی رفیع داشت لکن اشعار او معروفیت چندانی ندارند. در شعر خاقان تخلص می‌کرد دیوان اشعارش در سال ۱۸۶۰ در طهران چاپ سنگی گردید ولی نسخ آن کمیاب است. دو نسخه خطی از اشعار وی در موزه بریتانیا موجود است.

وی دوست داشت در میان فرزنداناش بنشیند و تصویرش را نقاشان ترسیم کنند ده تن از فرزندان وی نیز ادعای شاعری داشتند.

باستثنای شعر سایر جنبه‌های ادبیات فارسی پیشرفت چندانی نداشته‌اند. آخرین تحول ادبیات فارسی در جهت نمایشنامه نویسی مخصوصاً نمایشنامه‌های خنده‌انگیز بوده‌است. اما اگر چه این نمایشنامه‌ها نمونه‌های جالبی از فارسی محاوره‌ای جدید را بدست میدهند لکن همه آنها ترجمه از زبانهای ترکی و قفقازی هستند و بنابراین آنها را نمیتوان در شمار فعالیت‌های ادبی ایران دانست.

عشق ایرانیان به ادبیات و خصوصاً شعر اکنون نیز مانند ادوار گذشته عمیق و اصیل است. در طول اقامت اخیر خود در طهران توفیق رفیق گشت و عده‌ای از شاعران بلند آوازه ایرانی را ملاقات کردم. در حقیقت عشق و علاقه به شعر در همه طبقات مردم ایران وجود دارد. بنابراین هائیه تعجب نیست که اکثر مردم کوچه و بازار حتی ساربانان و چوپانان و مردم بادنشین اشعاری از شرای بزرگ خود در حفظ دارند و گاه و بیگاه آن اشعار را زیر لب زمزمه می‌کنند و یا به اقتضای زمان و مکان این اشعار را در میان جمع دوستان و همکاران با آهنگی موزون و صدائی رسا از حفظ می‌خوانند.

ذوق خوش نویسی نیز همچنان در میان ایرانیان باقی مانده است و ایرانیان نه

تنها هنرنامه نگاری را از نقطه نظر زیبایی شکل تشویق و ترغیب می‌کنند بلکه در منازل اکثر ایرانیان نمونه‌هایی از دستخط خوشنویسان معروف مانند یاقوت معتمدی و سلطانعلی مشهدی دیده می‌شود که بر دیوارها نصب شده‌اند.

تحقیقات ادبی و تاریخی دانشمندان مغرب زمین غرور ایرانیان را نسبت به گذشته فراموش شده خود برانگیخته و در آنان شوق و ذوقی بوجود آورده است تا به خیل محققان اروپائی پیوندند و در تحقیقات ایران‌شناسی دین خود را به سرزمین باستانی و مألوف خود ادا کنند. فضالی جوان ایرانی با پیای استادان اروپائی به تحقیق و تفحص مشغولند و تا کنون خدمات گرانبهایی به تاریخ کشور خود انجام داده‌اند. علاوه بر این گروه از محققان، ایران دانشمندان عالیقدری در زمینه تحقیق انتقادی پرورش داده‌است که از جمله آنها میتوان میرزا محمدخان قزوینی و سید حسن تقی‌زاده سفیر اسبق ایران در انگلستان و وحید دستگردی را نام برد.

حکایت

مردکی را درد چشم خاست پیش بیطاری رفت تا دوا کند بیطار از آنچه در چشم چهارپایان میکرد در دیده او کشید در حال کورشد داوری پیش قاضی بردند گفت بروی هیچ تاوان نیست اگر این خرنبودی پیش بیطار نرفتی. منظور از این سخن آن است تا بدانی که هر که ناآزموده را کار بزرگ فرماید ندامت برد و به نزدیک خردمندان بخفت رای منسوب گردد.

(سعدی)